

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر عامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران:

احسان صالحی

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۳۳ روابط عمومی • نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸ امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری
• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۴۸۸۹۲-۵



«ایران» رادر صفحه های مجازی دنبال کنید



آیا اصلاً زندگی ای که در آن هیچ چیز ارزش مردن نداشته باشد ارزش زیستن دارد؟
فلسفه ای برای زندگی
ولیام اروین

یادداشت



«خودتسکینی تبلیغی»

یا حمله دردناک؟

این مثل را قبلاً نیز به مناسبتی دیگر آورده ام؛ حرامیان به خانه بنیوی بیرون هجوم بردند و به غارت مال و همسرش شدند. دور صاحب البیت نیز خطی کشیدند که اگر پای از آن فراتر نهد، حکم به مرگ خویش کرده است! به گاه اتمام کار و خروج مهاجمان، مرد دایره نشین درآمد: «من در طول این مدت، چندبار پای از خط برون نهادم و حرقانم را به گوش نگرفتم!...»

محمد رضا کانینی
نویسنده و پژوهشگر

شواهد حاکی از آن است که به اصطلاح حمله نتانیه‌ویه برخی نقاط نظامی ایران، به نوعی «خودتسکینی تبلیغی» می ماند تا پاسخی متناسب به وعده صادق دو، دم خروس در این فقره، متعقد است. از عدم تناسب عریه جوی و رجزخوانی های رسانه‌ای با آنچه شامگاه جمعه گذشت تا خیره شدن گالات به تصویری فیک در اتاق فرماندهی، تنها استیصال است و دیگر هیچ! با این همه، داستان جنبه های دیگری نیز دارد که تذکر بدان بهنگام است:

• **یک:** ارباب توجیه از همان شب این مستمسک را دستاویز قرار داده اند که آمریکا، مهاجم را از حمله گسترده بازداشته و محدود ساخته است. این جماعت ناخواسته، به توان بازآوردگی ایران اذعان می کنند؛ چه آنکه عمو سام نه از سرعلاقه به چشم و ابروی کشورمان که از بیم پیامد پاسخی گسترده ایران به مهار توحش دست زده است. در این مسز و بوم توانی خلق شده که هر فکر رذالت آمیزی را به خودی خود خشتی می کند.

عین

از عدم تناسب عریه جوی و رجزخوانی های رسانه ای با آنچه شامگاه جمعه گذشت تا خیره شدن گالات به تصویری فیک در اتاق فرماندهی، تنها استیصال است و دیگر هیچ!

• **دو:** آنچه گفتیم، هرگز به مفهوم بی ارزش کردن پدافند پروتوان و کارای کشورمان نیست. از قضا یکی از عواملی که دشمن را بیشتر به صحنه آرای و حملات پوچ و تبلیغی سوق می دهد، اطلاع از هر آنچه است که در ایران انتظار آنان را می کشد.

• **سه:** اکنون حقیقتی عریان خودنمایی می کند؛ داستان آمریکا لای در انتخابات است و داستان مهاجم لای در هراس از حمله گسترده ایران و محدودیت های ایالات متحده. هرگز نباید گذاشت این فرصت تاریخی از بین برود و دشمن به شرایط عادی بازگردد. بی تردید جبهه مقاومت باید ضغفها و حرمان های آشکار دشمن را مبنای طراحی نوین راهبردی خویش قرار دهد و گام هایی بلند به سوی هدف بردارد. «لَنْ لَرْبُکُمْ فِی اَیَّامٍ دِهْرَکُمْ نَفَحَات، اَلَّا تَفْعَظُنَّوْا لَهَا.»

• **چهار:** هرگز نباید اجازه داد تعرضات محدود و نمایشی به ایران نیز عادی و مشمول مرور زمان شود. بی شک نوع واکنش ایران به این رویداد، موجد استنتاجات و طراحی های بعدی دشمنان خواهد بود، هم از این روی باید به دور از تعلل و شتابزدگی، پاسخی درخور برای نقض حاکمیت ملی تدارک دید. و العاقبة للمتقين.

نقل قول

ایده «سودابه» ریشه در واقعیت دارد

ایده و قصه فیلم «سودابه» به واسطه خبری که یکی از دوستانم برای من فرستاد شکل گرفت؛ خبری مبنی براینکه در دادگاهی حوالی نارمک تهران، پرونده ای بررسی شده که به درد کار من می خورد؛ آن را خواندم و ماجرا جذبیم کرد. اما در پاسخ به اینکه در شخصیت پردازی های فیلم سینمایی سودابه تا چه اندازه قادر به تقسیم شخصیت ها به مثبت و منفی هستیم باید بگویم من اصلاً سعی نکردم هیچ شخصیتی را در این فیلم مثبت یا منفی تعریف کنم، کاراکترهای من همگی مثل همه آدم ها، نقاط قوت و ضعف دارند و در مقاطعی این نقاط اگر بسطی برایشان مهیا شود پرزنگ می شوند. در این دوران نمی شود به دورنگ اکتفا کرد، بلکه طیف وسیعی از رنگ وجود دارد که باید آن را دید و بازشناخت. با آنکه حدود ۶ سال از ساخت این فیلم گذشته، اما گذر زمان آسیبی به ارتباط مخاطب با فیلم وارد نکرده است. فیلم «سودابه» از نظر درونمایه، پرداخت و روایت روزمدرن نیست که مثل پارهای از فیلم ها کهن شوند. تلاش من طی چهار دهه فعالیت تلاش برای خلق آثاری است که گرفتار روزمرگی نشود.



بخشی از گفته های محمد علی سجادی، کارگردان فیلم سینمایی «سودابه» با ایلنا

کلمه

«به سوی دریا»، داستان سوگ است

همه ما در زندگی مان فقدان را تجربه می کنیم؛ فقدان عزیزی از دست رفته، فقدان از دست دادن چیزی و هر کدام از ما راهکاری برای کنار آمدن با این فقدان ها داریم. ما در فقدان عزیزی که از میانمان رفته اند، به سوگ می نشینیم؛ غمی درونی که می تواند زندگی ما را از حالت عادی خارج کند.
... و سوگ چیزی است که در رمان «به سوی دریا» اثر سوزان کوپبر برای شخصیت اصلی این کتاب، کالی و وسترلی رخ می دهد. وسترلی، مادرش را از دست می دهد و پیش از آن هم پدرش را از دست داده؛ کالی هم، پدر و مادرش را با فاصله کمی از دست می دهد و هر دو به خاطر سوگی که درونشان است، راهی سفری می شوند؛ سفری از میان دریچه ای به جهانی دیگر برای وسترلی و سفری در جستجوی پدر و مادری که کالی نمی داند هنوز زنده اند یا نه، از میان آینه. کالی و وسترلی در رمان «به سوی دریا» که نشر افق منتشر کرده است سفر خود را از دو جای مختلف شروع می کنند و هر دو به کمک احتیاج دارند، به راهنمایی جنس آن جهانی. وسترلی، شخصیتی به نام لوگان را ملاقات می کند و کالی، رایان را. هر دو راهی دریا هستند، جایی که می دانند عزیزانشان به آنجا رفته اند. آنها در مسیر رسیدن به دریا همدیگر را ملاقات می کنند؛ اما در همین حین کسی در تعقیب آن هاست؛ بانو تارانیس. زنی که سردرگمی و سرگستگی را برای هر دوی آنها به ارمغان می آورد. کالی و وسترلی از دست او می گیرند و در این فرار، در حین ماجراجوهایی که در قلعه و زیر

زمین دارند، بخشی از وجود خود را واگاو می کنند. یکی از مراحل کنار آمدن با سوگ، مراقبت از خود است. چیزی که کالی در هم نشینی با ساری از درون خود به آن می رسد. می فهمد می تواند مواظب خودش و احساساتش باشد؛ اما این مرحله برای وسترلی رخ نخواهد داد. وسترلی علاوه بر غم از دست دادن مادر، احساس گناهی درونی دارد. ای کاش هایی همیشه همراهش هستند که شاید می توانسته به طریقی، مانع کشته شدن مادرش شود. همین باعث می شود در جهان جدید، وسترلی همیشه احساس عدم امنیت داشته باشد و راهحلی تنها درخواست حمایت است. وسترلی و کالی در جهانی عجیب به سفر خود ادامه می دهند تا به دریا برسند. از رودخانه ای خروشان عبور می کنند، چندین مرگ دیگر را تجربه می کنند و در صحرایی سوزان سرگردان می شوند؛ اما باز هم کمک از راه می رسد؛ کمکی از جنس راهنمایی که حس سردرگمی آنها را از بین می برد و مسیر دریا را نشانسان می دهد و باز هم تجربه مرگ دیگری در برابرشان قرار می گیرد؛ اما در همین مسیر پریچ و خم و پیراز ماجرا و غم، کالی و وسترلی به بلوغی جدید می رسند. حالا شناخت آنها از جهان دوروبرشان بیشتر شده و همین کمک می کند که خود آن ها، سوششان و فقدان ها را بهتر بفهمند. لوگان و تارانیس دو چهره از مرگ اند؛ گاهی رقیب و دشمن و گاهی دوست و خواهر و برادر. چهره هایی که از مرگ وجود دارد در کنار دریا برای کالی و وسترلی نمایان می شود. آنها مردمان را می بینند و به ماهیت ملت لوگان پی می برند. رمز و رازهای دنیای جدید برایشان آشکار می شود. آدم ها را در برابر مرگ می بینند؛ در برابر یاپانی که زندگی خود آدم ها، آنها را ساخته است؛ آدم هایی خسته، آدم هایی که زندگی شان را تباه کرده اند و آدم هایی که در زندگی خوشحال بوده اند. تارانیس و لوگان، شکل مرگ هیچ کدام را مشخص نمی کنند؛ همه چیز در دست خود آدم هاست. اینکه لحظه به لحظه زنده بودنشان را چطور گذرانده باشند. دریای پیش روی کالی و وسترلی، دریای زمان است؛ زمانی که می توانی در زندگی هر طور بخواهی ازش بهره ببری. در پایان داستان «به سوی دریا» باز هم انتخاب با خود وسترلی و کالی است. آنها می توانند انتخاب کنند تا ابد شاد باشند اما در یکتاختی یا به دنیای قبلی خود برگردند و همه چیز را خودشان بسازند تا عشق واقعی را تجربه کنند که البته رنج هم همراه این تجربه های شیرین خواهد بود.



سوزان کوپبر ترجمه بیتا ابراهیمی



معمومه میرابوطالبی نویسنده و منتقد ادبی

عین

کالی و وسترلی در رمان «به سوی دریا» که نشر افق منتشر کرده است سفر خود را از دو جای مختلف شروع می کنند و هر دو به کمک احتیاج دارند، به راهنمایی جهانی

عکس نوشت



همدستی و شراکت آمریکا با رژیم صهیونیستی در جنایات اخیر منطقه، سوز تازه ترین دیوارنگاره میدان ولیعصر شد.

عکس: روابط عمومی سازمان هنر، ادب و فرهنگ



امام رضا (ع)؛ از ما نیست آن که دنیای خود را برای دینش و دین خود را برای دنیایش ترک کند.

بخارا، ۲۸ خرداد ۱۳۸۴

با خون شما عزت ایران شده کامل



فضای مجازی

به افتخار فرزندان ایران



رصد فضای مجازی و حضور هنرمندان در شبکه های اجتماعی در روزهای اخیر معطوف به واکنش به تجاوز رژیم صهیونیستی به کشورمان است. اکثر هنرمندان یکصدا به این اتفاق واکنش نشان دادند. نوید محمدزاده بازیگر سینما با انتشار تصویر ۲ تن از شهدای ارتش نوشت: «روحشان شاد و یادشان همیشه جاودان»؛ محسن تانابنده بازیگر فیلمنامه نویسنده سینما و تلویزیون نیز با انتشار تصویری نوشت: «روحشان شاد و یادشان همیشه جاودان»؛ پیمان معادی بازیگر و کارگردان نیز در واکنش به حملات رژیم صهیونیستی صحنه ای از بمباران فیلم سینمایی «بمب یک عاشقانه آرام» به کارگردانی خودش را در اینستاگرام منتشر کرد.

حامد بهداد بازیگر سینما نیز در اینستاگرام خود پستی از الهام فلاح نویسنده ایرانی را باز نشر کرد. در بخشی از این متن آمده است: «امداد امروز نانوائی ها نان پختند. در مدرسه ها به روی دانش آموزان باز شد. فضای مجازی را جوک و طعنه و متلک پرانی ایرانی ها پر کرد. طباخی ها گلن و آبه مغز برای مردم سرو کردند. همه چیز در امن و امان سپری شد و مردم تنها شگفتیانشان ترس و بدخواهی برآمده از انفجار و شلیک پدافندها بود... این وسط اما دو نفر از میان ما رفتند. دو نفر که تا شب قبلیش کنار خانواده شان شام خوردند، احتمالاً دو نفر که غروب جمعه دلشان گرفته بود، احتمالاً دو نفر که مادر و پدر و همسر و فرزندی دارند، احتمالاً عزیزی چشم به راه بازگشتشان به خانه. دو نفر از خانواده ارتش مظلوم ایران. برای من که فرزند یک ارتشی ام خاطرات شهادت مظلومانه بی سروسدای ارتشی ها در لایه لای صفحات مانور و رزمایش و تعمیرات و به روزرسانی و دفاع و حفظ ناو و تأسیسات و فرودگاه ها و ... همیشه گوشه ای از قلبم را می سوزاند. این جوان رعنا دیشب از زمین سیاه و پیلید ما آدم هارفت. فقط برای آنکه خون از دماغ من و شما نیاید فدای قد و بالای رعنائش، راهش زرنور باد، و لعنت به جنگ و مناسبات مهوع سیاسی. لعنت به بازی قدرت. خداوند به دل دادگار مادر و پدرش آرام و صبری بیخشد. آمین»؛ زویا میرعلی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون نیز با انتشار عکسی نوشت: «دافی دیگر بر دل مادران این وطن. جای خالی شما تا ابد سبز خواهد ماند سرور قامتان»؛ مهران غفوریان بازیگر سینما و تلویزیون نیز با انتشار تصویری نوشت: «مدافعان آسمان ایران خدای قوت»؛ او همچنین با انتشار تصویری سهراب پورناظری، داریوش فرضیایی، محمدحسین فرحبخش، مجید صالحی، سجاد پهلوان زاده و کامران جیجازی از جمله هنرمندانی بودند که با انتشار تصاویر شهدای ارتش به این جنایت واکنش نشان دادند. رضا کیانیان، کاظم دانشی، فرزاد حسنی، بیژن بنفشه خواه، امین زندگانی و ... هم تصویری از نقشه ایران را به اشتراک گذاشتند؛ میلاد کی مرام با انتشار تصویری از نقشه ایران نوشته است: «تمام ایرانیان در پناه فرزندان وطن بودند. به افتخارتان می ایستیم شهدای سرفراز ایران.»

تخت بخواب، ما بیداریم

از تصاویر باز نشر شده در فضای مجازی آخرین پیام های شهید محمد مهدی شاهرخی فر است که در دفاع در مقابل حملات ارتش اسرائیل به بندر ماهشهر به شهادت رسید. شهید شاهرخی فر، نیروی پدافند ارتش در آخرین پیام های خود دو ساعت قبل از شهادت، با یکی از دوستانش می گوید: «بگیر تخت بخواب، ما بیداریم». از ویدیوهای ویرال شده در فضای مجازی بررسی از پایان بندی فیلم «روز صفر» سعید ملکان با تصاویری از امیر جدیدی در نقش مأمور اطلاعاتی و دیالوگ انتهای این فیلم است که با خود زمزمه می کند: «بالاخره به روز اتفاق میفته، وقتی دارم تو کوجه قدم می رزم، یا به گوشه نشستم یا دارم تو خیابون رانندگی می کنم، حس می کنم به اسلحه پیشونیم رو نشونه گرفته، کمتر از یک ثانیه طول می کشه ولی تو اون یک ثانیه فقط دارم به این فکر می کنم که کاش یک جوری بزنه که مردم صدای شلیک رو نشنون، صدای شلیک بدجوری می ترسوندشون، زندگی کردن تو وحشت حشون نیست، قرار بود جنکیدن فقط سهیم ما باشه... اصلاً کاش وقتی بزنه که رو دامن دماوندت باشم، یا وسط خرت، یا خلیج فارس یا به جایی که تو بیشتر از همیشه باهام بودی، فقط خیالم راحت باشه که همه تو خیابون ها دارن راحت قدم می زنن و می کنن و می خندن، اون وقته که دیگه من هم آرام می شم. یک دل سیر رغبت می کنم و راحت تو خاکت می خوابم.»